

زهرا علیزاده بیرجندی

عضو هیأت علمی

دانشگاه بیرجند

بررسی ریشه های فکری و علل اجتماعی - سیاسی ظهور غالیان

چکیده

در بررسی علل پیدایش غالبگری توجه به ریشه های فکری و همچنین عوامل سیاسی و اجتماعی ظهور غالیان ضروری است. بی اعتنایی به هر یک از این عوامل محقق را با یک حلقه مفقوده در تحقیق مواجه می سازد. در مورد خاستگاه فکری اندیشه های غالیان، باید به تأثیرپذیری آنان از اندیشه های مسیحی و تفکر گنوستیک اشاره کرد. به عبارت دیگر، می توان یک منشأ بین النهرینی، برای آن قائل شد. از نظر عوامل سیاسی اجتماعی هم، علل زیر نقش مهمی در پیدایش این جریان داشته است:

- ۱- عظمت شخصیت و مقام والای علی (ع) که سبب شد در کنار شخصیت تاریخی او یک شخصیت اسطوره ای شیعی از او پدید آید.
- ۲- منشأ روانی و عاطفی پدیده غلو: محبت شدید پیروان علی و مشاهده برخی کرامات و معجزات از وی.

۳- رخدادهای سیاسی اجتماعی: شهادت علی (ع) ندامت کوفیان از بی وقایی و بی مهری نسبت به علی (ع)، حکمرانی ظالمانه امویان، نارضایتی مردم از مظالم خلفا و ناخرسندی آنها از حکومت وقت، به صورت غلو در ابراز امیدواری به علی بروز کرد.

۴- در سده های بعدی، عوامل سیاسی اجتماعی، در ظهور جنبشهای غالیگری در دنیای اسلام نقشی مهم ایفا کرد. در ایران نهضت‌هایی که در اول قرن پانزدهم میلادی، (نهم هجری) پدید آمد با رهبری شیعیان، تندرو یا غلات هدایت می شد. در این زمینه می توان به نهضت مشعشعیان، حروفیان و علی اللهیان اشاره کرد. در محیط غلات و توسط رهبران این نهضت‌ها، اندیشه های مساوات طلبی، عدالت اجتماعی و مالکیت عمومی زمین تبلیغ می شد.

واژه های کلیدی: غلاة، الوهیت علی (ع)، گنوستیگ، اندیشه های دینی بین النهرین، علی اللّهی، غالیگری، نهضت های شیعی

مقدمه

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: هَلْکَ فِی رَجُلَانِ مُحِبِّ غَالٍ وَ مُبْغِضِ غَالٍ^(۱) آنانکه در حب و دوستی علی افراط کردند، همچون آنانی که در دشمنی اش مبالغه نمودند هلاک خواهند شد.

امامان شیعه در موارد متعدد، بیزاری خویش و مواضع منفی شان را نسبت به غالیان و اندیشه آنان اعلام داشته اند. پر واضح است که رواج و انتشار چنین تفکراتی، سبب تحریف ارزش های اصیل مذهبی و خدشه دار شدن اندیشه های متعالی دینی می گردد. در نتیجه این امر زمینه های انحراف پیروان شریعت از مسیر حقیقت فراهم خواهد شد. ناگفته نماند که ریشه بسیاری از مشکلات و بحرانهای فکری در جهان اسلام، به همین افراط و تفریطها و ارائه تصویر مسخ

شده از ارزشهای متعالی مذهب برمی‌گردد. از این رو در ضرورت پرداختن به چنین مباحثی و آشنایی با عوامل پیدایش و نتایج چنین تفکرانی هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌ماند.

غلات جمع غالی است که در فارسی به معنی گزافه‌گویان است. کلمه غلو به معنی افراط و تجاوز از حد و حدود هر چیز می‌باشد، هنگامی که این کلمه در مورد معتقدات دین و مذهبی، بکار رود به این معنی است که انسان چیزی را که به آن اعتقاد دارد، از حد خود بسیار فراتر برده است. (۲) در منابعی که پیرامون فرقه‌های اسلامی نوشته شده غالیان را فرقه‌هایی از شیعه دانسته‌اند که در حق ائمه خویش افراط نموده و ایشان را به مرتبه خدایی رسانیده‌اند. (۳)

ابن خلدون در مورد غالیان و عقاید آنها می‌گوید: «گروهی از شیعیان را هم غالیان (غلاة) می‌نامند که از حد عقل و ایمان در گذشته‌اند. از این رو که به الوهیت آن امامان اعتقاد دارند. چنانکه یا برآند که ایشان بشرند ولی متصف بصفات الوهیت می‌باشند یا می‌گویند خدا در ذات بشری ایشان حلول کرده است و به حلول که با مذهب مسیحیان درباره عیسی (ع) موافق است، گرویده‌اند.» (۴)

مشتقات این واژه در قرآن چهار بار بکار رفته، که دو مورد آن در مورد غلو دینی و موارد دیگر به معنای جوشش می‌باشد. برای نمونه در سوره مائده آیه ۷۷ می‌خوانیم: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ» «ای اهل کتاب! در دین خود غلو و زیاده روی نکنید.» آیه ۱۷۱ سوره نساء نیز اهل کتاب را از غلو و زیاده روی در دینشان باز می‌دارد. این آیه درباره مسیحیان است که پیامبر خود حضرت عیسی را از خود فراتر برده، او را پسر خدا دانسته‌اند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ الْإِلَهَ إِلَّا الْحَقُّ إِنَّما الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسولُ اللَّهِ...»

در ادیان پیشین چه ادیان آسمانی و چه ادیان غیر آسمانی، اندیشه‌های غلوآمیز می‌توان یافت. منظور از غلو در اینجا آن است که مردم موجودی مهم از انسان، فرشته، حیوان، گیاه،

زمین، آسمان، ستاره، آب و آتش و ... را از حد خود فراتر ببرند و آن را در حد خدایی یا پایتتر از آن مقدس شمرند. (۵) مصادیق بارز چنین اندیشه‌هایی را در آراء مذهبی مسیحیان، پیروان مذهب کنفوسیوس، آئین بودا و آئین شینتو در ژاپن می‌توان یافت. (۶) با جستجوی بیشتر در تاریخ اسلام نیز به گروه‌هایی برمی‌خوریم که مقام خدایی برای برخی از شخصیتها قائل شوند. از آن جمله غلات عباسیه که به خدایی بعضی از خلفای عباسی مانند منصور اعتقاد داشته‌اند. در میان اهل سنت نیز می‌توان نشانی از اندیشه‌های غالیانه یافت. برخی از محققین عقیده دارند که ریشه‌های اولیه غلات در فرقه‌های منتسب به اهل سنت پدید آمده است، غلات منتسب به اهل سنت به نام غلات عباسیه یا راوندیه معروف شدند. رئیس آنها عبدالله راوندی بود که در آغاز قائل به الوهیت منصور، خلیفه عباسی و نبوت ابومسلم خراسانی شدند. وقتی منصور، ابومسلم را به قتل رسانید در سال ۱۴۱ هـ ق بر او شوریده و منصور به اتهام زندقه آنها را در آتش سوزانید.

در کتب اهل سنت، مواردی را نیز از غلو در صفات در مورد برخی از شخصیتها چون ابوبکر و عمر و عثمان و معاویه به چشم می‌خورد، که ما در این جا به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده می‌کنیم: عبیدی مالکی در عمده التحقيق می‌نویسد: مراد از حروف مقطعه اول سوره بقره (الم...) «الف» ابوبکر، «ل» «الله» و «م» محمد (ص) است. از ابن مسعود درباره علم عمر چنین نقل کرده‌اند: اگر علم همه عرب در یک کفه ترازو و علم عمر در کفه دیگر ترازو قرار گیرد، علم عمر فزونی دارد. (۷) حتی برخی از صاحب نظران، واکنش عمر در برابر انتشار خبر رحلت پیامبر را نشانی از تفکر غالیانه دانسته‌اند، زیرا عمر با اصرار فراوان مردم را از انتشار خبر رحلت پیامبر نهی می‌کرد و ادعا می‌نمود که پیامبر (ص) نمی‌میرد.

با توجه به مطالب فوق و با استناد به شواهد تاریخی مشاهده می‌کنیم که عنصر غلو، ویژگی

تفکر شیعی نیست و نمودهایی از این اندیشه را میان سایر ادیان و فرقه‌ها می‌توان یافت. شاهد مدعای ما در این زمینه احساسات طرفداران عایشه در جنگ جمل نسبت به حیوانی است که کجاوه عایشه را حمل می‌کرد، آنان پشگل شتر را بر م‌عی گرفتند و می‌بوییدند و می‌گفتند: پشگل شتر مادرمان عایشه از مشک خوشبوتر است. دکتر شیعی در این زمینه می‌گوید: «وقتی احساسات شرکت‌کنندگان در جنگ جمل تا آن حد چیره شود که درباره شتر عایشه نیز غلو و زیاده روی کنند. از شیعیان علی نیز شگفت نیست که امام خود را با آن همه مناقب و فضایل بی چون و چرا، تا درجه انسان کامل بالا برند و این سرآغاز یک رشته دگرگونی‌هایی شود که وارثان نادان و ساده اندیش اینان رابه آنجا که رسیده‌اند، برسانند.»^(۸)

اعتقادات غالیان

صاحبان کتب ملل و نحل هنگام بحث از فرق غلات، تعداد بالغ بر صد فرقه را نام می‌برند، آنگاه در ذیل نام هر فرقه عقاید آنها را بیان نموده‌اند.^(۹)

بنابراین برای آشنایی با اعتقادات این گروه باید یک شناخت اجمالی نسبت به عقاید همه این فرقه‌ها داشت، از آنجائیکه بررسی فرقه‌های غالی هدف اصلی پژوهش حاضر نیست و پرداختن به این فرقه‌ها صرفاً، به جهت یافتن ریشه‌های فکری آنهاست، از ذکر تک تک آنها خودداری می‌کنیم و در یک جمع‌بندی کلی، اصول اعتقادات آنها را بیان خواهیم کرد. در همین جا تذکر این نکته خالی از فایده نخواهد بود که برخی از صاحب نظران عقیده دارند که غالیگری در زمان ائمه و حتی پس از آن به آن گستردگی که در کتب ملل و نحل از آن یاد شده نیست، بلکه تعداد آنها محدود بوده و این تقسیم‌بندی‌هایی را که در کتب فرق راجع به فرق شیعه گفته‌اند بیشتر به خاطر تکثیر آنهاست، زیرا نگارندگان این کتابها بیشتر اهل سنت بوده‌اند و برای محکوم کردن

تشیع، عقاید غالیان را با شرح و بسط فراوان نقل کرده‌اند.^(۱۰) شرح تمامی عقاید غلات در این مختصر نمی‌گنجد، از این رو به عمده‌ترین اعتقادات خاص و تعالیم افراطی آنها اشاره می‌کنیم:

۱- اعتقاد به الوهیت و نبوت ائمه: در این زمینه بین فرق غلات اختلاف نظر است برای نمونه بعضی از فرقه‌ها برای علی (ع) مقام خدایی قائل شده‌اند و برخی دیگر گفته‌اند: که او پیامبر است و معجزات و کرامات او را مانند انبیاء پیشین چون موسی و عیسی دانسته‌اند.^(۱۱)

۲- تجسم خداوند: مغیره بن سعید بجلی بنیانگذار اندیشه تجسم خداوند به صورت حروف الفبا و اعداد بود.

۳- حلول (Incarnation): یعنی روح خداوند یا اجزایی از آن در یک شخص مانند نبی، امام یا هر شخص دیگری حلول کند. که بعضی از صاحب نظران این عقیده را سوژه اصلی غالیان دانسته‌اند.

۴- تناسخ (Transmigration): انتقال متواتر ارواح به اجسام مختلف.

۵- رجعت (Returning): بنابر روایات شیعه به معنای بازگشت عده‌ای خاص از مردگان به این دنیا پس از ظهور حضرت مهدی (عج) و قبل از روز قیامت است. به عقیده ولهاوزن، اصل رجعت در نظر غالیان با اصل بازگشت و احیای محمد (ص) به صورت علی (ع) و حلول روح علی (ع) در ائمه بعدی توأم شد.^(۱۲)

۶- تفویض (Assignment): خداوند پس از خلق پیامبر (ص) و ائمه (ع) همه امور عالم از خلق و رزق و زنده کردن و میراندن را به آنها واگذار کرد.^(۱۳)

امامان شیعه در موارد متعدد، بیزاری خویش را از غلات و اندیشه ایشان اعلام داشته‌اند. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه درباره اینان فرموده است: «اللهم انی بری من الغلاة کبراء: عیسی بن مریم من انصارى. اللهم آخذهم ابدأ و لا تنصر منهم احداً. یعنی خداوندگارا، من از غلاة و

گزافه‌گویان بیزارم، همانطوریکه عیسی بن مریم از نصاری بیزار بوده است. خداوندگارا آنان را همواره مورد مؤاخذه خود قرار ده و هیچ یک از ایشان را یاری مکن.» و نیز می‌فرماید: «هلک فی رجلان محب غال و مبغض غال» یعنی دو کس به خاطر من هلاک شوند، یکی آنکه در دوستی من غلو کند و دیگری آنکه در دشمنی من غلو نماید. (۱۴)

ابن خلدون در کتاب مقدمه در این زمینه می‌نویسد: «علی (رض) کسانی را که درباره او چنین معتقداتی داشتند در آتش می‌سوزانید. درباره این غلات همین بس که آراء و عقاید ایشان بر پیشوایان شیعه هم گران است. چه آنان باینگونه نظریه‌های ایشان قائل نیستند و در بطلان عقاید آنان استدلال می‌کنند. (۱۵) البته در بیانات ابن خلدون در مسئله سوزانیدن غلات جای تردید وجود دارد. اما به طور کلی، امامان شیعه با صراحت غالیان را شدیداً لعن کرده و تعالیم آنها را مردود شمردند و به کرات به پیروان هشدار می‌دادند که احادیث ایشان را قبول نکنند. (۱۶)

اصولاً غلات را می‌توان در دو دسته یا طبقه جای داد: یک گروه سردمان ساده دل و عامی که تحت تأثیر جذابیتهای فردی ائمه (ع) و فضایل آنان قرار گرفته و برای امامان مقام فوق انسانی (خدایی) قائل شدند. دسته دیگر افرادی شیاد بوده‌اند که برای رسیدن به مقامات دنیوی و مقاصد سیاسی و نفوذ در مردم به ائمه، نسبتهای غلوآمیز دادند. (۱۷)

ریشه‌های فکری غالیگری

در زمینه خاستگاه و ریشه‌های ظهور غالیان نظرات گوناگونی مطرح شده است. شهرستانی، عبدالله بن سبارا منشأ عقاید غلوآمیز دانسته، تمامی مطالبی که درباره نقش سیاسی و دینی این فرد بیان شده از طریق سیف بن عمر نقل شده است. علامه عسکری پس از انجام یک بررسی دقیق تاریخی و هم‌سنجی دیدگاه‌های مورخین به این نتیجه رسیده که با توجه به تکذیبی را که از ناحیه تمامی علمای رجال، نسبت به سیف بن عمر صورت گرفته، پذیرش وجود شخصی به نام عبدالله بن سبا صحیح نبوده و او یک وجود افسانه‌ای دارد بجز علامه عسکری دیگران نیز وجود او را تکذیب کرده‌اند. (۱۸)

دشمنان شیعه با نسبت دادن عقاید غلوآمیز ابن سبا به شیعیان ضمن خرافی و کفرآمیز جلوه دادن عقاید شیعه می‌توانستند شورش‌های شیعی را به راحتی سرکوب کنند و این عامل، علت اساسی مطرح نمودن افسانه ابن سبا بود. بعضی از کسانی که می‌خواهند برای تشیع ریشه و منشأ ایرانی درست کنند و تفکرات این مذهب را واکنش روح ایرانی در برابر اسلام قلمداد کنند. اندیشه‌های غالیان به ویژه سوژه اصلی تفکر آنان یعنی الوهیت امامان (حلول جزء الهی در ائمه) را چنین توجیه می‌کنند:

ایرانیان به دلیل وجود فره ایزدی، برای پادشاهان خود قداست ویژه‌ای قائل بودند. پس از اسلام به دنبال اشخاصی می‌گشتند که چنین تقدسی را به آنها انتقال دهند و چون دریافتند شیعیان برای امامان خود قائل به کرامات ویژه‌ای هستند به شیعه روی آوردند؛ و همان مقامی را که برای شاهان خویش قائل بودند برای امامان شیعه قائل شدند. احمد امین در این زمینه ضمن رد نظرگاه فوق عقیده دارد که عقیده شیعه قبل از ایرانیان شیوع داشت و حزب علی بلافاصله پس از ارتحال پیامبر بوجود آمد و حوادث روزگار و به ویژه معايب عثمان بر اهمیت آن افزود و

پس از ورود ملت‌های دیگر در عالم اسلام و پذیرش اسلام توسط آنان این تفکر رنگ دیگر به خود گرفت. (۱۹) بسیاری از نویسندگان در آثار خویش این مسئله را متذکر شده‌اند که تشیع هیچ ارتباطی با عکس‌العمل روح ایرانی در مقابل اسلام ندارد. (۲۰)

اندیشه حلول جزء الهی در ائمه نیز هیچ ارتباطی با عقاید ایرانیان ندارد. آنان فره ایزدی (۲۱) را مویذ قدرت پادشاهان می‌دانستند نه اینکه معنای الوهیت پادشاهان ایران را داشته باشد. سلطنت در نگرش ایرانیان صرفاً یک موهبت الهی بود و هیچگاه این تفکر به حدی نبوده که منجر به اعتقاد ایرانیان در مورد حلول خدا در پادشاهان ساسانی باشد. این مسئله بیشتر با عقاید یهودیان و مسیحیان مناسبت دارد. زیرا آنها نیز موقعیتی مشابه تصورات غلات را برای ائمه یا رهبران خود قائل بودند. (۲۲)

در ملل و نحل نیز به تأثیرات و الهامات غالیان از یهود و نصاری اشاراتی شده: «شبه‌های ایشان از مذاهب حلولیه و تناسخیه ناشی شده و ملل یهود و نصاری، زیرا یهود تشبیه خالق می‌کنند به خلق و نصاری بشبیه خلق به خالق می‌کنند.» (۲۳)

یکی از مهمترین نظریات در مورد خاستگاه غلو، اشاره به منشأ بین‌النهرینی آن دارد. در این زمینه دکتر مصطفی کامل الشیبی، آغاز جنبش غالیگری را از کوفه می‌داند. قرن دوم هجری دوران بحث و نظر و ظهور فلسفه‌های گوناگون بود. در این ایام فرقه‌های تندرو در کوفه و مدائن پدید آمدند. افراط کوفیان در اعتقاد به مقام والای امامان تا حد خدایی باعث دوری شیعیان از رهبران علویشان و افزایش قدرت امویان بود. بعدها در دوران امام هادی (ع) مذهب نصیری که یکی از فرقه‌های وابسته به غالیان است توسط محمد بن نصیر نمیری پدید آمد. از عمده‌ترین تفکر آنان، الوهیت ائمه و نقش غلو در حق آنان و نیز سهل‌انگاری در رعایت واجبات دینی بود. شیبی نقش اینگونه تفکرات را در تحول تشیع بسیار مؤثر دانسته است. (۲۴)

در مورد نقش و سهم بین النهرین در شکل‌گیری تفکرات غالیان، قرائن دیگری را از اظهارات صاحب نظران در این زمینه می‌توان یافت. احمدامین در پرتو اسلام، عراق را مرکز مذاهب مختلف می‌داند و دلیل این امر را شیوع اندیشه‌های مانی و مزدک و عقاید مسیحی و یهودی بیان می‌کند. آنگاه وی با استناد به عقیده مسیحیان در باب حلول خداوند در عیسی و شباهت آن با عقیده غالیان (در مورد خداوندی علی (ع)) تأثیر مهم و نفوذ اندیشه‌های مسیحی را در غالب‌گیری نشان می‌دهد. (۲۵) مادلونگ در این زمینه در کتاب فرقه‌های اسلامی می‌گوید: «سرزمین بین النهرین پیش از خیزش اسلام بخشی از امپراطوری ایران بوده و پایتخت اداری دولت ساسانیان را هم در برداشته، اگر چه مردمانی بومی آن سرزمین از نژاد سامی بودند و بیشتر سنتهای دگرگونه مذهبی خود را همی‌داشتند. این سرزمین محیطی طبیعی از برای پیدایش جنبشهای التقاطی بود، جنبشهایی که بر بنیاد آمیختگی مرده رنگهای مذهبی ایرانی و محلی بر سرزمین اصلی پرتوافکن بود. (۲۶) در سخنان مادلونگ، نقش بین النهرین به عنوان مکانی مناسب جهت ظهور جنبشهای التقاطی مطرح شده، البته خواننده این مقاله ممکن است در گفته‌های وی به ظاهر موردی برای تأیید نقش اندیشه‌های ایرانی در غالب‌گیری بیابد اما باید توجه داشت نقش عنصر ایرانی هیچگاه به اهمیت سایر اندیشه‌های موجود در سرزمین بین النهرین نبوده و تأثیر و نفوذ عقاید مسیحی و بویژه گنوستیک (۲۷) یونانی (۲۸) در شکل‌گیری تفکر غالیان به مراتب پررنگ تر و بیشتر از میراث مذهبی ایران باستان است.

علل و عوامل مؤثر در ظهور غالیان

عظمت شخصیت و مقام والای علی (ع) سبب شد که در کنار شخصیت تاریخی او یک شخصیت اسطوره‌ای شیعی از وی بوجود آید. تصوف نیز با نقش خاص خود تصویری از او

ساخت که هنوز در مکتب صوفیان منعکس است. علی، مرجع معرفت صوفیانه و قطبی گردید که همه طریقه‌ها در او به هم می‌رسند. (۲۹) «علی حقیقتی بر گونه اساطیر بود، او رب النوع همه عظمتها، قداستها و زیباییها است، از آنگونه که بشر همواره دغدغه داشتن و پرستیدنش را داشته و هرگز ندیده و معتقد شده که ممکن نیست بر روی خاک ببیند و ممکن نیست در کالبد یک انسان تحقق پیدا کند. علی نیازهایی را که در طول تاریخ انسانها به خلق نمونه‌های خیالی به خلق الهه‌ها و رب النوع‌های فرضی می‌کشانده در تاریخ عینی اشباع می‌کند.» (۳۰) یک عامل مهم در قائل شدن مقام فوق بشری برای علی (ع) توسط بسیاری از شیعیان ساده دل، همین عظمت شخصیت علی (ع) است.

دوم: اینکه منشأ روانی و عاطفی پدیده غلو را نباید از دیده پنهان داشت. البته این عامل با عاملی که در سطور پیش بیان شد بی ارتباط نیست، علاقه و محبت شدید پیروان علی (ع) و البته مشاهده برخی کرامات و حرکات خارق العاده از وی، دیگران را وادار به ابراز چنین نظریات غلوآمیزی کرده است. (۳۱)

سوم: عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، توجه به رخداد‌های سیاسی - اجتماعی نیز ما را در درک بهتر علل ظهور غالیان یاری خواهد داد. شهادت علی (ع) و احساس خلاء کوفیان از وجود او، حکمرانی ظالمانه امویان، صلح امام حسن (ع)، واقعه عاشورا، ماجرای محمد بن حنیفه، احساس شدید جامعه به وجود یک منجی و حوادث دیگر باعث بروز افکار غلوآمیز شد و هنگامی که علی بن حسین (ع)، از غالیان مستقیماً فعالیت سیاسی خود را به نام غالیگری و به عنوان حزبی سیاسی، بی اعتنا به میل یا اکراه امامان ادامه دادند. در زمان حیات حضرت علی (ع) کوفیان در حق او کوتاهی کردند و آن حضرت، قربانی عصیان آنها گردید. پس از شهادت حضرت، کوفیان دچار ندامت شدند و احساساتشان را به شکل غلو در حب علی (ع) بروز

دادند. غالبگری در واقع تسلی درونی کوفیان به خاطر عملکرد بدشان در حیات حضرت علی (ع) بود. حال می‌توان دریافت که چرا مردم در مورد حب محمد (ص) مبالغه نکردند و عقاید غلوآمیز از خویش بروز ندادند. زیرا حب محمد بر آنها حرام نبود و حکام نیز با آنها اشتراک عقیده داشتند.^(۳۲) مردم ناراضی از مظالم خلفا، بهترین پناهگاه را علی یافتند و این ناخرسندی از حکومت، به صورت غلو در ابراز امیدواری به علی بروز کرد.^(۳۳)

در سده‌های بعدی نیز عوامل سیاسی، اجتماعی در ظهور جنبشهای غالبگری در دنیای اسلام نقشی بس مهم ایفا کرد. در ایران نهضتهایی که در نیمه اول قرن پانزدهم میلادی (نهم هجری) پدید آمد، با رهبری شیعیان تندرو و یا غلات هدایت می‌شد. در این زمینه می‌توان از جنبشهایی چون مشعشعیان، حروفیان و علی‌اللهیان نام برد که در نهضت اخیر نه تنها در ایران، که در کشورهای مجاور نیز رواج یافت. در محیط غلات شیعه و توسط رهبران این نهضتها بیشتر افکار مساوات طلبی، برابری اجتماعی و مالکیت عمومی تبلیغ می‌شد. لازم به تذکر است که در روند حوادث و تحولات اجتماعی ایران عصر صفوی غلات جایگاه خاصی دارند.^(۳۴) ۶. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، چاپ چهارم.

نتیجه

در زمینه خاستگاه فکری غالبان نظرات گوناگونی مطرح شد، به نظر می‌رسد در میان این نظرات، با توجه به قراین تاریخی منشأ بین‌النهرینی این جریان و تأثیر پذیری غلات از اندیشه‌های مسیحی و به ویژه گنوستیک یونانی به مراتب پررنگ‌تر و مؤثرتر از سایر عوامل است. در مورد علل سیاسی اجتماعی ظهور غالبگری می‌توان عوامل زیر را مؤثر دانست:

عظمت شخصیت و مقام والای علی (ع)، منشأ روانی و عاطفی پدیده غلو، رخدادهای سیاسی و اجتماعی عوامل سیاسی و اجتماعی سبب شد که غالیان در تحولات اجتماعی در ادوار مختلف نقش عمده‌ای ایفا نمایند و تأثیرات گاه مثبت - از جهت ستم ستیزی، مبارزه با حاکمیت‌های جور و تبلیغ اندیشه‌های مساوات طلبی و عدالت اجتماعی - و گاه منفی (پاره‌ای انحرافات فکری، جعل حدیث) بر جای گذارند.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابن ابی الحدید، ص ۲۷۸.
- ۲- صفری، ص ۲۵.
- ۳- مشکور، ص ۱۵۱.
- ۴- ابن خلدون، صص ۳۸۲-۳۷۹.
- ۵- صفری، ص ۲۹-۲۶.
- ۶- جان ناس، صص ۴۰۹، ۴۲۶ و ۵۶۵.
- ۷- صفری، ص ۳۷.
- ۸- معروف الحسنی، ص ۵-۲۶۴.
- ۹- شهرستانی، صص ۱۴۹-۱۳۴، با تلخیص.
- ۱۰- جعفریان، صص ۱۱۴-۱۱۲.
- ۱۱- شهرستانی، صص ۱۳۴-۱۳۲.
- ۱۲- پطروشفسکی، ص ۴۹.
- ۱۳- صفری، ص ۲۲۶.
- ۱۴- ابن ابی الحدید، ص ۲۷۸.
- ۱۵- ابن خلدون، صص ۳۸۲-۳۷۹.
- ۱۶- جعفری، ص ۹-۳۴۸.

- ۱۷- دائرة المعارف تشیع، صص ۲۳ و ۲۴.
- ۱۸- احمدامین، ص ۳۱۴.
- ۱۹- امین، ص ۳۱۶.
- ۲۰- صفری، ص ۵، جعفریان صص ۱۱۱ و ۱۰۳، احمدامین، ص ۳۲۳.
- ۲۱- فره ایزدی، نوری است از جانب خدای تعالی که بر خلایق فایز می شود که بوسیله آن قادر می شوند به ریاست و حرفها و صنعتها و از این نور آنچه خاص است به پادشاهان بزرگ عالم و عادل تعلق گیرد. (لغت نامه دهخدا)
- ۲۲- شهرستانی، صص ۱۳۳ و ۱۳۴.
- ۲۳- همانجا.
- ۲۴- شبیبی، تشیع و تصوف، صص ۱۶ و ۱۷.
- ۲۵- امین، ص ۳۱۶.
- ۲۶- مادلونگ، صص ۱۵ و ۱۶.
- ۲۷- گنوستیک: طریقه مذهبی مبنی بر تنویر. این مذهب در قرن دوم میلادی در کشور روم توسعه یافت. بلاشک قبل از این تاریخ هم افکار گنوستیکی وجود داشته است زیرا که در میان یهودیان اسکندریه هم این افکار رایج بوده است. گنوستیک ها عالم روح را عین عالم نور و جهان ماده را عین جهان ظلمت می دانستند نتیجه این اعتقاد نسبت به عالم این شد که بدینی به اصل خلقت رواج گرفت و پیروان این فکر به زهد و ترک مایل شدند. انسان نخست را وجود نیم خدا می دانستند. در همه کتب گنوستیک ظهور یک نفر وعده داده شده بود. یکی از فرقه های گنوستیک بین النهرین و بابل فرقه ماندایی است و دیگر فرقه ای که در کتب عرب آن را مغتسله نامیده اند. (لغت نامه دهخدا)
- ۲۸- فرای و دیگران، صص ۴۲۱ و ۴۲۲.
- ۲۹- شبیبی، تشیع و تصوف، ص ۲۰.
- ۳۰- شریعتی، صص ۳۶-۳۴.
- ۳۱- صفری، ص ۴۲.

۳۲- شیبی، الصلة بين التصوف و التشيع، ص ۱۰.

۳۳- بطروشفسکی، ص ۴۹.

۳۴- پیکولوسکایا، صص ۴۳۶ و ۴۳۷.

منابع و مأخذ

ابن ابی الحدید، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه، ج ۸، ترجمه و تحشیه: محمود مهدی دامغانی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.

ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

اشپولر، برتولد. تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی، ج اول، ترجمه: جواد فلاطوری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، چاپ سوم.

الشیبی، مصطفی کامل. الصلة بين التصوف و التشيع، ج اول، بیروت: دارالاندلس، ۱۹۸۲.

امین احمد. پرتو اسلام، ترجمه: عباس خلیلی، تهران: شرکت نسبی حاج محمد اقبال و شرکاء، ۱۳۳۷، چاپ دوم. پیکولوسکایا، تاریخ ایران از دوران باستان تا سده هجدهم. ترجمه: کریم کشاورز، تهران: پیام، ۱۳۵۴.

جعفریان، رسول. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا تون هفتم هجری، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

جعفری، حسن محمد، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه: محمدتقی آیت اللهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.

دائرة المعارف تشیع، سیری در فرهنگ و تاریخ تشیع، تهران: نشر سعید محبی، ۱۳۷۳.

رن فرای و دیگران، تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه، ج ۴، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه و تصحیح: محمدرضا جلالی نائینی، تهران: اقبال، ۱۳۵۰.

شیبی، مصطفی کامل، تشیع و تصوف از آغاز تا سده دوازدهم، ترجمه: علیرضا ذکاوتی - قراگزلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.

صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان، کاوشی در جریانها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸.

لغت نامه دهخدا.

مادلونگ، فرقه‌های اسلامی، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

مشکور، محمدجواد. تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران: اشراقی، ۱۳۷۲.

مشکور، محمدجواد. ترجمه فرق الشیعه نوبختی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

مشکور، محمدجواد، فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۲.

معروف الحسنی، هاشم، تشیع و تصوف، ترجمه: سید محمد صادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی و آستان قدس رضوی ۱۳۷۵، چاپ دوم.

میراحمدی، مریم، دین و مذهب در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی